بیانات در جمع خانواده شهدا و ایثارگران استان کرمانشاه - 21 /مهر/ 1390

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

خدای متعال را سپاسگزارم که این توفیق را امروز داد که در این مجلس دارای عظمت معنوی شرکت کنم. برای من در سفر به شهرهای مختلف، یکی از مهمترین و باعظمت‌ترین دیدارها، دیدار با خانواده‌ی معظم شهیدان و ایثارگران و جانبازان است. علت این است که در مسئله‌ی ایثار، عظمتی نهفته است که هیچ جامعه‌ای بدون دارا بودن یك چنین نقطه‌ی مهم و تعیین‌کننده‌ای نخواهد توانست به عزت و عظمت دست پیدا کند. ما در قضیه‌ی شهادت شهیدان و مجاهدت ایثارگران و جانبازان معمولاً جوانب محدودی را می‌بینیم و مشاهده میکنیم ؛ در حالی که خود عمل و حرکت ایثار در جامعه که منجر به شهادت یا جانبازی میشود، معانی متعددی دارد ؛ جهات مختلفی دارد که هر کدام از اینها درخور بررسی است. یکی از این جهات، فرصت‌شناسی و پاسخگوئی به نیاز لحظه‌هاست. ممکن است احساس مسئولیت در کسانی باشد، اما در لحظه‌ی نیاز، این مسئولیت را نه تشخیص بدهند و نه عمل کنند ؛ این خیلی تفاوت دارد با آن حرکت و اقدامی که درست در لحظه‌ی نیاز اتفاق می‌افتد و انجام میگیرد. جوانان شجاع و باغیرت و مؤمن و فداکاری که نیاز کشور را احساس کردند و به سراغ خطر رفتند و به استقبال خطر شتافتند، اینها این امتیاز برجسته را دارند که نیاز را در زمان خود فهمیدند و به آن پاسخ گفتند. این یك بعد بسیار مهمی است، این برای ما درس است.

من دیروز اشاره کردم که جوانهای کرمانشاهی یك ماه بعد از پیروزی انقلاب احساس کردند نیاز هست که بروند. شهید سید محمدسعید جعفری - شهید پیشرو و پیشتاز - با جمع رفقای خودش رفتند از پادگان لشکر سنندج دفاع کردند ؛ فهمیدند که معنای این دفاع چیست ؛ تسلط ضد انقلاب بر یك پادگان نظامی، معنایش چیست. این زود فهمیدن، بوقت فهمیدن، بهنگام عمل کردن و پاسخ به نیاز دادن، آن نقطه‌ی برجسته‌ای است که نباید مغفول بماند.

شهدای عزیز ما در سرتاسر کشور این خصوصیات را دارند. دوستان و برادران نام شهرها را ذکر کردند، خاطره‌هائی از مناطق مقاومت در این استان بیان کردند. البته از سرتاسر کشور آمدند، شهدای برجسته و نامداری در این سرزمین به خاك و خون غلتیدند که از مناطق دیگر آمدند ؛ لیکن نقش مردم این استان، نقش جوانان باایمان، نقش آن احساس عظیم و عزیز و کمیابی که در این جوانها بود - هوشمندی آنها، موقع‌شناسی آنها، فرصت‌شناسی آنها - نبایستی ندیده گرفته شود ؛ و این همان چیزی است که ما همیشه به آن احتیاج داریم.

غالباً کشورها و جوامع از ندانستن موقعیت و نشناختن فرصت، ضربه میخورند. وقتی دشمنی کمین میگیرد و ما نمیدانیم که او کمین گرفته است، نمیشناسیم ؛ یا اگر چنانچه اطلاع پیدا کردیم، علاج را زود و بهنگام ارائه نمیدهیم ؛ آن وقت ضربه میخوریم.

جمله‌ی خوبی را این برادر عزیز اینجا گفتند. گفتند خانواده‌ها میگفتند اگر این رزمنده را ما از خانه بیرون نفرستیم، فردا دشمن دم در خانه می‌آید، باید بجنگیم. این خیلی نکته‌ی مهمی است ؛ این همان نکته‌ای است که امیرالمؤمنین (علیه‌السّلام) فرمود: هر جماعتی که در داخل خانه‌ی خودشان مورد تهاجم دشمن قرار بگیرند، غفلت کنند از این که دشمن دارد می‌آید، اینها شکست خواهند خورد، مغلوب خواهند شد. دشمن را از دور باید دید، از دور باید شناخت ؛ این غفلتی بود که آن روز آن کسانی که باید میدیدند، ندیدند. در تهران هی گفته میشد و خبر میرسید

که در منطقه‌ی کرمانشاه، در منطقه‌ی ایلام - بیشتر در این مناطق - دشمن مشغول آرایش نظامی است. آنجا که گفته میشد، سیاسیونی که مسئول کار بودند، انکار میکردند ؛ میگفتند نه، چنین خبری نیست. تا وقتی تهران را بمباران کردند. در روز 31 شهریور 59 جنگ در واقع آغاز نشد - آن روز تهران بمباران شد - جنگ از پیش شروع شده بود. اگر مسئولانی که آن روز در رأس کار بودند - همان کسانی که بعد هم نشان دادند لیاقت اداره‌ی کشور را ندارند - میفهمیدند، تشخیص میدادند و آمادگی خود را بالا میبردند، نه خرمشهر آنجور میشد، نه قصرشیرین آنجور میشد، نه برخی از مناطق دیگر مرزی.

آن غفلت اولیه موجب شد که بر این منطقه و منطقه‌ی خوزستان، آنطوری که من در برهه‌ی کوتاهی از نزدیك مشاهده کردم، آنچنان فضای غم‌آلودی حاکم شود که بعضی از مناظر آن را که من از نزدیك دیدم، نمیتوانم فراموش کنم. کار وقتی دست مردم باشد، وقتی استعدادهای مردمی و حضور مردمی میدان پیدا کند که وارد عرصه شود، این غفلتها پیش نمی‌آید. این چیزی بود که آن روز اجازه نمیدادند. در همین مناطق، اینجا و آنجا، گروه‌های مردمی گرد هم می‌آمدند، به زحمت زیاد قبضه‌های سلاحی را برای خودشان فراهم میکردند، مشغول دفاع میشدند ؛ آنها آنجا ناراضی بودند، در جلسات رسمی گله و شکایت میکردند که چرا فلانی در فلان‌جا اسلحه جمع کرده است! عده‌ای جوان داشتند دفاع میکردند ؛ بنابراین نمیتوانستند تحمل کنند. این برای ما درس است.

من دیروز عرض کردم ؛ نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی، با این آرمانها، با این هدفها، با این داعیه‌ی بزرگی که دارد - دشمن ظلم است، دشمن استکبار است، دشمن زیاده‌خواهیِ متکبرانه‌ی قدرتهای بین‌المللی است - با چالشهائی مواجه میشود ؛ به رنگهای مختلف، به شکلهای گوناگون ؛ لذا باید آماده باشد. این آمادگی، بیش از همه چیز متکی به ایمانهای مردم است. آن حصار پشتیبان، آن پاسدار اعظم در دفاع از هویت یك ملت و عزت یك ملت و نجات یك ملت از کید دشمنان، آگاهی مردم است ؛ این را ما در جنگ تجربه کردیم. امروز هم در هر بخشی، در هر مجموعه‌ای از کار که مسئولان آگاهانه متوجه باشند و به مردم نقش بدهند، همین اتفاق خواهد افتاد.

جمهوری اسلامی است، مردم‌سالاری است ؛ مردم‌سالاری اسلامی. مردم‌سالاری باید معنائی داشته باشد ؛ معنای واقعی دارد، تعارف نیست. شهدا، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های آنها در این راه، بهترین آزمایش را دادند. این صبر عظیمی که خانواده‌های شهیدان نشان دادند، خیلی ارزش دارد. اگر خانواده‌ها بی‌صبری نشان میدادند، بی‌معرفتی نشان میدادند، بی‌بصیرتی نشان میدادند، فضای مجاهدت سرد میشد ؛ دلها مشتاق فداکاری و ایثارگری باقی نمیماند. خانواده‌ها صبر نشان دادند. سالهای متمادی از آن دوران دفاع مقدس گذشته است، اما باب شهادت بسته نشده ؛ باز هم مشاهده میکنیم خانواده‌هائی داغدار عزیزانی میشوند که به مناسبتهای گوناگون وادی شهادت بر روی آنها در باز میکند، آنها پر میگشایند و میروند. اگر این بصیرت و این صبر در ملتی باشد، بدون تردید این ملت قله‌ها را درخواهد نوردید.

ما در تشخیص هدفهامان و تعیین راهِ به این هدفها، هرگز دچار تردید نشدیم ؛ در راهِ خودمان شك نکردیم ؛ خدا را شکر میکنیم. خدای متعال هیچگاه دلهای ما را خالی از نور امید نگذاشت. و در واقعیت دیدیم که این امیدها، امیدهای واهی نبود ؛ امیدهای درستی بود.

یك روزی بود که وقتی کسانی به صحنه نگاه میکردند، بظاهر هیچ چیز امیدبخشی در صحنه به چشم نمی‌آمد ؛ اما مردمان بصیر - در رأس همه، امام بزرگوار - به ما امید میدادند، نوید میدادند. گاهی ما تعبداً گوش میکردیم، اما قادر به تحلیل نبودیم. تعبداً قبول میکردیم، بعد میدیدیم همین جور شد ؛ بعد میدیدیم همین امید الهی، همین نوید آسمانی تحقق پیدا کرد. و امروز وقتی به تجربه‌ی سی و دو ساله‌ی انقلاب نگاه میکنیم، پی‌درپی موفقیتهای

نظام جمهوری اسلامی را می‌بینیم.

در دیدارهای با خانواده‌های معظم شهیدان و جانبازان عزیز و ایثارگران، آن چیزی که در درجه‌ی اول مورد اهتمام این حقیر است، بعد از تجلیل و احترام و تقدیم مراتب تشکر و قدردانی به خانواده‌های عزیز، این است که مجموعه‌ی ملت عزیز ما توجه کنند که روحیه‌ی ایثارگری نجاتبخش یك کشور است، نجاتبخش یك ملت است. روحیه‌ی گذشت، روحیه‌ی فداکاری، وقت انجام وظیفه را شناختن، کار را بوقت و بموقع انجام دادن، نجاتبخش است.

خوشبختانه امروز ما آثار پیشرفت و موفقیت را در کشورمان مشاهده میکنیم ؛ می‌بینیم که داریم پیش میرویم ؛ البته تلاش لازم است، کار لازم است. کارها به سمت ظریف‌تر شدن و پیچیده‌تر بودن پیش میرود. هوشمندی امروز مردم ما هم بمراتب از سالهای گذشته بیشتر است. بحمدالله مردمان مؤمن، پایبند، معتقد و متعهد به آرمانها در جامعه‌ی ما زیاد است ؛ در این استان عزیز هم همین جور. در این استان، ما آنچه که دیدیم، آنچه که شنیدیم، مردانگی و فتوّت و دلاوری و جوانمردی و - همان طور که دیروز عرض کردیم - خصال نیكِ پهلوانی در مرد و زن بوده است.

اشاره کردند که خانمی در گیلانغرب از دشمن اسیر گرفت ؛ یك زن، یك بانوی مؤمن و شجاع. آنچنان نمودارهای شجاعت در این استان زیاد است که انسان نمیتواند بشمرد. از اوّلی که اینجا تشکیل شد، نیروهای مردمی و سپاهی در کنار نیروهای مبارز ارتش فداکاری کردند. افسران شجاع و لایقی در اینجا بودند ؛ فرمانده هوانیروزی که شهید شیرودی و دیگران از امکانات و پشتیبانی او استفاده میکردند و این پروازهای عجیب را انجام میدادند ؛ چه در لشکر 81، و چه در بخشهای گوناگون ؛ که بعضی از افسران شجاع و مؤمن را ما در همین پادگان ابوذر که ایشان ذکر کردند، از نزدیك دیدیم. آنها آنچنان با اخلاص و فداکاری کار میکردند که فضای این منطقه را پر کرده بودند از همین نشانه‌های اخلاص و فداکاری و پهلوانی و گذشت و ایثار ؛ و این جزو افتخارات استان شماست، و این برای شما خواهد ماند. شما در پیشانی دفاع مقدس قرار گرفتید. افتخارات دفاع مقدس بسیاری‌اش مربوط به این استان است. پشتیبانی کردید، گذشت کردید ؛ خداوند ان‌شاءالله اجرها و پاداشهای معنوی را به شما خواهد داد ؛ همچنان که اجر دنیوی آن را - که عزت کشور است - به شما و به ملت ایران بخشید.

این سفر برای ما سفر بسیار مطلوب و شیرینی است، به خاطر دیدار با مردم عزیز و چهره‌ی شاد و خندان آنها ؛ که دیروز در این مسیر، ده‌ها هزار چهره‌ی شاد و خندان را انسان مشاهده میکرد ؛ این نشانه‌ی چهره‌ی باطراوت این استان است. امیدواریم ان‌شاءالله مسئولین بتوانند کارهائی را که در این استان لازم است انجام بگیرد - که کارهای فراوانی هم در این استان بایستی ان‌شاءالله صورت بگیرد - انجام بدهند. استانِ بسیار بااستعدادی است و کمبودهائی هم دارد ؛ این کمبودها ان‌شاءالله بایستی با تلاش و کار مسئولین پیگیری شود.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته